

جهانی شدن شعار روز سال‌های ۱۹۹۰ و از دیدگاه افراد گوناگون مفاهیم متفاوتی داشته است. در مقاله حاضر جهانی شدن به معنی سرمایه‌داری است که سرمایه را در انحصارات بزرگ متمرکز کرده و از راه تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و تولید در جستجوی سود بیشتر است. این روند از سوی شرکت‌های فراملی، بانک‌ها و بازار سهام که بر پایه بیشترین سوددهی فعالیت می‌کنند، گسترده‌تر می‌شود.

پس از دوران استعمار، شرکت‌های فراملی در بخش مواد خوراکی توانسته‌اند از راه آزادسازی و خصوصی‌سازی همسوی با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در کشورهای جهان سوم کنترل انحصاری داشته باشند. این روند از ویژگی عقب‌ماندگی کشاورزی محلی سود جست و در جهت استیلا بر بخش کشاورزی با مالکان محلی مرتبط می‌شود.

پژوهش‌ها گویای آن است که جهانی شدن بنیان ناتوان کشاورزی فیلیپین را سست‌تر کرده است. خط‌مشی آزادسازی و افزایش کنترل انحصاری شرکت‌های فراملی در بخش کشاورزی مسئله بی‌زمینی را بدتر کرده است. کشاورزی از نیاز مردم دور شده و به تولیدات صادراتی اولویت داده می‌شود در حالی که به تکنولوژی وارداتی وابسته است. از این رو کشاورزی فیلیپین در بحرانی سخت گرفتار و امنیت غذایی آن کشور به واردات تولیدات کشاورزی وابسته شده است.

نابرابر جهانی شدن بر بخش روستایی (نمونه: فیلیپین)

۱۹۸۹: ۲۸۴). او بر این باور است که جهانی شدن فرآیند رشد ناموزون جغرافیایی سرمایه است که به صورت سطوح متفاوت توسعه اقتصادی، تفاوت چشمگیر میان مزد و سطح زندگی در کشورهای گوناگون، حاکمیت شکلهای گوناگون فرآیند کار و دوام فرآیند کار شبیه برده‌داری در کشورهای کمتر پیشرفته سرمایه‌داری با بهره‌گیری مطلوب از تفاوت هزینه کار، شرایط کار، قوانین و مقررات مربوط به کار و محیط زیست و دیگر ناموزونی‌های جغرافیایی، سرمایه فراملی هزینه تولید را به کمترین مقدار رسانده و سودآوریش را افزایش می‌دهد. در واقع ناموزونی موجود در جغرافیای جهانی تولید، امکانات زیادی برای تولید ارزش اضافی سرمایه فراملی فراهم می‌کند. (یغمایان، ۱۳۸۰، ۴۸).

از دید پل گرومن، جهانی شدن اقتصاد گشایش بازارهای ملی به روی تجارت بین‌المللی است (Paul Krugman, 1966: 343) جهانی شدن اغلب پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید که همانند بلاهای طبیعی در زمان ماست. به نظر می‌رسد پای چنین استدلالی جویین باشد زیرا جهانی شدن همزمان با شکل گرفتن نظام سرمایه‌داری بوده که کشورهای جهان را به دو گروه امپریالیست و مستعمره تقسیم کرده و از این رو

۱- طرح مسأله:

جهانی شدن شعار روز سالهای ۱۹۹۰ بوده که برای افراد گوناگون مفاهیم متفاوتی داشته است، ولی تاکنون تعریف روشنی از «جهانی شدن» ارائه نشده است زیرا این پدیده با اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی پیوند دارد و چه بسا در مراحل تکاملی خود به گونه‌ای بروز یابد که با تعابیر کنونی بسیار متفاوت باشد.

هر یک از صاحب‌نظران بر پایه علاقه و تخصص خود به وجهی از ابعاد گوناگون پدیده جهانی شدن پرداخته‌اند و جنبه‌ای از این پدیده را تشریح و تفسیر کرده‌اند.

لش و یوری (Lash & Urry) جهانی شدن را دگرگونی بنیادی در ساماندهی سرمایه‌داری جهانی در عرصه‌های تولید، توزیع، تجارت و تکنولوژی در چارچوب گذار از سرمایه‌داری سازمان یافته به سرمایه‌داری بدون سازمان در مقیاس جهانی می‌دانند (قریب ۱۳۸۰: ۵۸). دیوید هاروی که دیدگاه او در زمینه جغرافیا بسیار معتبر است، جهانی شدن را تشدید فشرده‌گی زمان و مکان می‌داند که بر راهبردهای سیاسی-اقتصادی، توازن قدرت و زندگی فرهنگی و اجتماعی تأثیری تعیین‌کننده دارد. (هاروی،

نوشته: دکتر حسن افراخته
دانشیار گروه جغرافیا
دانشگاه سیستان و بلوچستان

پدیده‌ای ساخته دست بشر است و ریشه تاریخی دارد. بر این پایه، ایجاد شکاف میان فقیر و غنی و گسترش آن از سوی شرکتهای فراملی، بانک‌ها و بورس‌های سهام که بر پایه اصل «به حداکثر رساندن سود» رفتار می‌کنند، عناصر ساختاری آن را تشکیل می‌دهد.

عوامل گوناگونی به تداوم روند مزبور کمک می‌کند مانند عملکرد صندوق بین‌المللی پول که اقتصاد بازار را توصیه و به منظور بازپرداخت بدهی‌های خارجی، محدودیت‌های بودجه‌ای به کشورها تحمیل می‌کند، یا خدمات بانک جهانی که در راستای سودرسانی به شرکتهای فراملی است. (وودوارد، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۴) هنگامی که این سناریوها تمرینش نباشد، ناتو با دخالت نظامی، برای تداوم بخشیدن به روند جهانی شدن گام برمی‌دارد. این چهار نهاد سالانه بر زندگی میلیونها نفر اثر می‌گذارد.

شرکتهای فراملی از راه گسترش تجارت بین‌المللی و انحصار سرمایه‌گذاری و تولید، به بهره‌جویی هر چه بیشتر از ملت‌های جهان سوم و کارگران محلی جهان سرمایه‌داری می‌پردازند. در این نظام چندین شرکت بین‌المللی تولیدی بازارهای جهان را زیر کنترل خود گرفته و غنایم را میان خود تقسیم می‌کنند (لویی ریفر، ۱۳۷۲: ۹). در واقع در این نظام همه جهان به حوزه نفوذ ابر قدرت‌ها تقسیم شده که دارای سلسله مراتب اقتصادی در پهنه سیاره زمین است. (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۴۹-۱۴۳).

از این رو هر چه توسعه تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات مردم جهان را آسان می‌کند و نزدیکی مردم به یکدیگر افزایش می‌یابد، جهان آنها رفته‌رفته از یکدیگر جدا می‌شود. اکنون نزدیک به ۵۰۰ میلیون نفر در رفاه نسبی زندگی می‌کنند در حالی که ۵/۵ میلیارد نفر در فقر بسر می‌برند. دویست نفر از ثروتمندترین میلیاردرهای جهان ثروتی بیش از مجموع درآمد ۴۵ درصد جمعیت جهان دارند. در طول سال ۲۰۰۰، دویست ابر ثروتمند جهان شاهد افزایش ثروت خود به مقدار ۴۵۰۰ دلار در ثانیه بوده‌اند (Chairman of KMP, 2001: 1-6). با این دیدگاه و در راستای آزمون نقش جهانی شدن در

تحولات روستایی کشورهای جهان سوم، در این مقاله با تکیه بر داده‌های استنادی، اثر جهانی شدن اقتصاد بر تحولات روستایی کشور فیلیپین به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهای جهان سوم بررسی می‌شود.

با توجه به لزوم تدوین برنامه جامع توسعه روستایی در کشورمان و تمرکز ویژه پژوهش بر نظام زمین‌داری و توسعه تولیدات کشاورزی در پرتو جهانی شدن، این پژوهش می‌تواند بر نامریزان رابطه کار آید.

۲- جهانی شدن کشاورزی جهان:

در پهنه گیتی، بی‌گمان هنوز کشاورزی فراگیرترین شغل به‌شمار می‌آید. در دهه‌های گذشته تولید کشاورزی به مقدار فراوان افزایش یافته است. تولید سرانه جهانی غذا با وجود دو برابر شدن جمعیت جهان در ۴۰ سال گذشته با نرخ ۲۵ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۸ ارزش کالاهای کشاورزی که وارد مبادلات فرامرزی شده بود به ۴۵۶ میلیارد دلار رسید که نسبت به ۲۵ سال پیش از آن سه برابر افزایش نشان می‌داد.

در سال ۱۹۵۰ ارزش کالاهای کشاورزی جهان ۴۲۰ میلیارد دلار بود که کشاورزان بیش از یک سوم از ارزش مزبور را تولید کرده بودند. بر پایه پژوهش اقتصاددانان، در سال ۲۰۲۸، ارزش تولیدات کشاورزی ۱۰ تریلیون دلار خواهد بود که سهم کشاورزان به ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. این شاخص استیلای شرکتهای فراملی را در تجارت و فرآوری تولیدات غذایی نشان می‌دهد و بیانگر آن است که از دوران استعمار، کشورهای جهان سوم به منبع ارزان نیروی کار و مواد خام تبدیل شده و بازار تولیدات مازاد کشورهای صنعتی محسوب می‌شوند. دستکم تا زمان حاضر کشاورزی جهان سوم عقب مانده و متکی به روابط تولید نیمه فئودالی و روش‌های تولید سنتی بوده است. پس از دوران استعمار نیز شرکتهای فراملی حرفه‌ای در بخش تولید مواد کشاورزی و غذایی توانسته‌اند کنترل انحصاری خود را در جهان سوم از راه روند آزادسازی، خصوصی‌سازی و حذف نظارت که از سوی

○ تا کنون تعریف روشنی از «جهانی شدن» ارائه نشده است زیرا این پدیده با اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی پیوند دارد و چه بسا در مراحل تکاملی خویش به گونه‌ای بروز یابد که با تعابیر کنونی بسیار متفاوت باشد.

حمایتی خود را ادامه دادند. آنها همزمان پیمان کنترل انحصاری شرکتهای فراملی خود را در بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی استوار ساخته و تقویت کردند.

پس از چند سال مذاکره، پیمان کشاورزی سازمان تجارت جهانی سه روش کلیدی را در بر گرفت:

الف- کاهش سوبسید بخش کشاورزی داخلی.

ب- کاهش سوبسید صادراتی.

پ- بهبود دسترسی به بازار از راه محدودیت واردات، همراه با کاهش بی دربی تعرفه‌ها.

این روش‌ها آشکارا مطلوب کشورهای صنعتی و شرکتهای فراملی آنها بوده و توانسته‌اند سطح یارانه‌ها را در کشاورزی داخلی خود حفظ کنند. برای نمونه در سال ۱۹۹۸ کشورهای ثروتمند ۳۶۰ میلیارد دلار برای پشتیبانی از تولیدات کشاورزی پرداخته‌اند ولی بیشتر کشورهای جهان سوم که هرگز نظام یارانه‌ای رایج کار نبرده‌اند از تشویق و پشتیبانی بخش کشاورزی خود به طور کلی بازمانده‌اند.

پس از اجرای پیمان کشاورزی، اتحادیه اروپا تولیدات کشاورزی صادراتی خود غیر از ماهی را از ۴۶/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به ۵۴/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش داد. صادرات تولیدات کشاورزی آمریکا از ۴۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ به ۵۹/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ رسید یعنی در طول دو سال ۳۹ درصد افزایش پیدا کرد ولی کشورهای فقیر بازنده پیمان بودند زیرا ناگزیر بوده‌اند مقدار زیادی فرآورده‌های کشاورزی وارد کنند و صادراتشان سخت کاهش یافته است. ارزیابی نقش پیمان کشاورزی در ۱۶ کشور جهان سوم از سوی سازمان کشاورزی و خواربار (FAO) بیانگر آن است که در سایه این پیمان، کشاورزی جهان سوم و رعایای فقیر آسیب دیده است و روند تمرکز زمین زراعی، به حاشیه‌ای شدن کشاورزان فقیر و افزایش افراد بی‌زمین، بیکاری و فقر نگران کننده انجامیده است (Chairman of KMP, 2001:1-6).

هر بار که به علت بحران تولید مازاد، بهای کالاهای کشاورزی در بازار جهانی کاهش می‌یابد

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شتاب یافته است، گسترش دهند. این شرکتهای از عقب‌ماندگی کشاورزی محلی بهره گرفته و با مالکان محلی و عاملان سرمایه‌داری وابسته در راستای استیلا بر بخش کشاورزی هم‌پیمان شده‌اند. از این رو، بیش از آنکه کشاورزان از افزایش فرآورده‌های کشاورزی سود ببرند، شرکتهای فراملی از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند (Chairman of KMP, 2001: 1-6).

در آمریکا، کشاورزی نه تنها از دید اقتصادی، بلکه از منظر آزانس‌های ژئوپولیتیکی نقش مهمی به عهده دارد. اهمیت غذا برای بشر، آن را به ابزاری مؤثر در قلمرو سیاسی تبدیل کرده است و این امر در مواردی که ایالات متحده آن را برای تنبیه مخالفان از راه تحریم مواد غذایی به کار گرفته، آشکار است (نمونه عراق). از این رو آمریکا مایل است به منظور تقویت قدرت سیاسی خویش، در تولید مواد غذایی از راه انحصار شرکتهای فراملی خود بر جهان استیلا داشته باشد.

۲-۱- آزادی تجاری در چارچوب سازمان تجارت جهانی (WTO)

آمریکا و اتحادیه اروپا تا پیش از بنیانگذاری گات، از آزادسازی تجارت تولیدات کشاورزی ناراضی بودند زیرا سخت به یارانه و موانع تجاری برای پشتیبانی از بخش کشاورزی داخلی متکی بودند. آنها گرچه در روشهای حمایتی با یکدیگر تفاوت داشتند، ولی فعالانه افزایش تولید مازاد را تشویق می‌کردند.

در سال ۱۹۸۰ که بحران جهانی عمیق‌تر شد، رقابت فزاینده و تولید مازاد، به تشدید تضادهای تجاری میان کشورهای صنعتی انجامید در حالی که بهای فرآورده‌ها نیز سقوط کرده بود. گذشته از آن، هزینه بالای برنامه‌های یارانه‌ای در پشتیبانی از بخش کشاورزی بار سنگینی بر بودجه کشورهای صنعتی تحمیل می‌کرد.

از این رو ایالات متحده و اتحادیه اروپا پذیرفتند که کشاورزی زیر پوشش قوانین گات (GATT) باشد و برای زمانی کوتاه اختلاف‌های خویش را در راستای گشایش بازار جهان سوم به روی تولیدات مازاد خود کنار گذاشتند، در حالی که بیشتر اقدامات

○ لاش و پوری & Lash
Urry جهانی شدن را
دگرگونی بنیادی در
ساماندهی سرمایه‌داری
جهانی در عرصه‌های تولید،
توزیع، تجارت و تکنولوژی
در چارچوب گذار از
سرمایه‌داری سازمان یافته به
سرمایه‌داری بدون سازمان
در مقیاس جهانی می‌دانند.

مانند بحران سال ۱۹۹۸، آمریکا و اتحادیه اروپا فشار خود را بر کشورهای جهان سوم افزایش می دهند زیرا آمریکا بر این باور است که بسیار بیشتر از آنچه مصرف می کند، تولیدکننده محصولات کشاورزی است و یک سوم مزارع آمریکا به تولید برای بازارهای خارجی اختصاص دارد، از این رو باید توان صادرات خود را هرچه بیشتر افزایش دهد. این اقدامات در کشاورزی کشورهای جهان سوم نقش تخریبی دارد.

۲-۲- افزایش انحصارات شرکتهای فراملی

در شرایط آزادی تجارت، شرکتهای فراملی رشد چشمگیری داشته اند و برای دستیابی به بازارهای انحصاری رقابت می کنند. تجارت بنر و سموم شیمیایی مورد نیاز کشاورزی یک نمونه از آن است. پنج کمپانی (Synyenta, Monsanto, Dupont, Dow, Aventis) انحصار استراتژیک خود را در جایگاه استیلایر تولید مواد شیمیایی، کشاورزی و بازارهای مربوط برقرار ساخته اند و نزدیک به دو سوم بازار آفت گشهای جهانی، و حدود یک چهارم بازار بنر کشتهای تجاری و صد درصد بازار بنرهای ژن پیونددار را در اختیار دارند. گذشته از آن، این کمپانی ها بیش از ۵۰ درصد کل حقوق انحصاری بیوتکنولوژی را در دست دارند.

از زمان انقلاب سبز، این شرکتهای حوزه نفوذ کشاورزی خود را در کشورهای جهان سوم تا بالاترین اندازه گسترش داده اند و از راه تیبانی با نخبگان محلی و نهادهای پژوهشی مانند «مؤسسه تحقیقی بین المللی برنج» (IRRI) کشاورزی کشورهای فقیر را همسو با نیازهای خود دگرگون کرده اند. اکنون آنها از امتیاز توسعه اخیر در بیوتکنولوژی بهره برده و کنترل انحصاری خود را بر کشاورزی جهان سوم گسترش داده اند تا آن را محدود کنند. بویژه ایالات متحده آمریکا علاقه مند است از جایگاه برتر خود در مهندسی ژنتیک به گونه ناروا بهره برداری کند. توسعه بیولوژیکی آشکارا با چند شیوه موجب افزایش وابستگی کشاورزان به نهادهای زراعی - تجاری شرکتهای شده است: (دوفومیه، ۱۳۷۲: ۴۴) نخست این که نسل اول علف کش ها مقاومت حشرات را زیادتر کرده است؛ در نتیجه،

کشاورزان ناگزیر از خرید آفت کش های تجاری از همان شرکتهایی شده اند که بنر خود را از آنها می خریدند. دوم اینکه تکنولوژی تولید بنر اصلاح شده وابستگی کشاورزان را بیشتر کرده زیرا این بنرها به گونه ای مهندسی شده اند که گنجایش رویشی خود را از دست می دهند و کشاورزان ناگزیرند برای خرید بنر تازه در هر فصل زراعی بار دیگر به شرکتهای روی آورند و سرانجام گسترش کشت های صنعتی و دانه های مربوط به تولید مواد دارویی وابستگی کشاورزان را به شرکتهای شیمیایی افزایش می دهد. سیاست پشتیبانی از انواع گیاهان تازه در واقع تجاوز به حقوق کشاورزان به سود «اتحادیه بین المللی حفاظت از انواع گیاهان تازه» (UPOV) است.

از منظر ژنتیک، دانه های اصلاح شده به گونه جدی زندگی ۱/۴ میلیارد انسان را که به بنرهای زراعی ذخیره شده کشاورزان وابسته اند و بیش از ۲۰ درصد مواد خوراکی جهان را تولید می کنند، تهدید می کند.

پژوهشهای اخیر در زمینه مهندسی ژنتیک، همسو با خواست شرکتهای نه نیاز کشاورزان است. محصولات پیوندی بیشتر برای بهره جویی سیستم های تک کشتی صنعتی طراحی می شوند و از این رو به نابودی محیط زیست و گسترش بیشتر آفات کمک می کنند. این تحولات در زندگی کشاورزان فقیر با تابی منفی داشته و به سودآوری شرکتهای کمک می کند.

کشاورزان فقیر در جهان سوم بیشتر به علت رقابت واردات پارانه ای اتحادیه اروپا و آمریکا زیر فشار هستند و از زمین های خود رانده شده و سرانجام به کارگران زراعی شرکتهای تبدیل می شوند. بی زمینی و فقر نتیجه گریزناپذیر کنترل انحصاری فزاینده است. (Chairman of KMP, 2001:1-6).

۳- جهانی شدن و تجدید ساختار

نظام زمین داری

خط مشی آزادسازی و افزایش کنترل انحصاری شرکتهای فراملی در کشاورزی بر مشکل بی زمینی افزوده است؛ این در حالی است که بانک جهانی خواستار اجرای رفرم ارضی است

○ دیوید هاروی که دیدگاه او در رشته جغرافیا بسیار معتبر است، جهانی شدن را تشدید فشرده گی زمان و مکان می داند که به راهبردهای سیاسی- اقتصادی، توازن قدرت و زندگی فرهنگی و اجتماعی تأثیر تعیین کننده دارد.

تولید محصولات صادراتی مانند قهوه، نیشکر و توتون رانده شد.

پس از استقلال در سال ۱۹۴۶، ساختار اقتصاد استعماری تولید محصولات صادراتی از راه پیمان تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری با ایالات متحده آمریکا تداوم پیدا کرد. کشور از معامله ترجیحی مغز و روغن نارگیل و نیز تضمین سهم عمده شکر برخوردار بود و گسترش زمین‌های زیر کشت نیشکر را تشویق می‌کرد.

پیمان کالاهای کشاورزی با آمریکا برای واردات ترجیحی کالاهای آمریکایی مانند گندم، ذرت و پنبه ارائه شده بود و دولت روشی برای بهبود بازدهی کشاورزی فیلیپین در پیش نگرفت. در این سالها باغداری با مالکیت خارجی‌ها گسترش یافته است.

در سال ۱۹۷۸ فیلیپین یکی از نخستین کشورهای بود که به برنامه تعادل ساختاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وارد شد و از این بانک وامی زیانبار برای اجرای انقلاب سبز کشاورزی دریافت کرد که به ناتوانی کشور در بازپرداخت آن انجامید. فیلیپین برنامه تعدیل ساختاری تجارت را با کاهش تعرفه چند محصول کشاورزی مانند برنج و ذرت آزادسازی کرد و در چارچوب پیمان کشاورزی، کمیته دولتی خود به کاهش تعرفه محصولات چون برنج، ذرت، شکر، قهوه و تولیدات دامی به مقدار ۲۴ درصد در ده سال مبادرت ورزید. فیلیپین مانند بسیاری کشورهای در حال توسعه پاره‌ای برای صدور محصولات کشاورزی پرداخت نمی‌کند.

کشاورزی فیلیپین در همسویی با آزادسازی روزافزون، با تصویب مجموعه‌ای از قوانین و خط‌مشی‌ها تجدید ساختار پیدا کرد. برای نمونه بر پایه مصوبه‌ای به تعاونی‌های درگیر تولید محصولات کشاورزی صادراتی امتیازاتی در زمینه بهره‌مندی از تسهیلات و پشتیبانی از زیر ساخت‌ها داده شد یا طرح توسعه کشاورزی سالهای ۹۸-۱۹۹۳ به تولید محصولات صادراتی با ارزش نسبت به محصولات مصرفی داخلی اولویت بخشید و نیز همزمان دولت نواحی صنعتی و پروژه‌های توسعه‌ای را به منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی گسترش داد.

و گاهی بانک یکی از عوامل جهانی شدن امپریالیستی و نیز مسئول غم و اندوه بسیاری از کشاورزان بی‌زمین و فقرای جهان معرفی می‌شود. (وودوارد، ۱۳۷۵: ۱۷) بانک جهانی به گونه سنتی به دو دلیل علاقمند اجرای رفرم ارضی است:

نخست این که اجرای رفرم را عامل خنثی‌کننده اعتراضات مردمی می‌پندارد؛

دوم آنکه توجه بانک جهانی به افزایش بهره‌وری، انگیزه‌ای برای علاقه به تنظیم نظام زمین‌داری است زیرا روابط فئودالی گرچه از مزیت تأمین نیروی کار ارزان برخوردار است، در عین حال مانع افزایش بهره‌وری است. از این رو بانک مبلغ آرایش نیمه فئودالی روابط زمین‌داری است و آن را برای منافع شرکتهای فراملی سودمند می‌داند.

بانک جهانی منادی اجرای رفرم ارضی در حد یک معامله ساده زمین میان رعایا و مالکان است و بر این باور است که این رفرم جو ستیزه‌جویانه حاکم بر روابط مالک و کشاورز را به همکاری تبدیل می‌کند. در واقع هدف ناتوان ساختن جنبش دهقانی از راه شتاب بخشیدن به رفرم تحریف‌شده ارضی است که در زمینه اجرای عدالت روستایی بسیار ناتوان است. برنامه‌های اصلاحات ارضی همسوبا خواست بانک جهانی در برزیل در عین ناتوان ساختن جنبش دهقانی آن کشور موجب افزایش بهای زمین شده است به گونه‌ای که مردم کم درآمد توان دسترسی به آن را ندارند.

از این رو بانک جهانی به هیچ وجه موجب توزیع زمین میان بی‌زمین‌ها نشده، بلکه باعث افزایش تمرکز زمین در دست نخبگان زمین‌دار شده است.

۴- آثار جهانی شدن

در کشاورزی فیلیپین:

از زمان استعمار اسپانیا، ویژگیهای اساسی کشاورزی فیلیپین همسو با نیاز شرکتهای فراملی تغییر داده شد. شرکتهای اقتصادی را که توان تولید مواد غذایی کافی را نداشتند و از نظر تأمین مواد خوراکی به واردات وابسته بود، دگرگون ساختند. همزمان، کشاورزی فیلیپین به گونه فزاینده به سوی

○ لویی ریفر: شرکتهای فراملی از راه گسترش تجارت بین‌المللی و انحصار سرمایه‌گذاری و تولید، به بهره‌جویی هر چه بیشتر از مردم کشورهای جهان سوم و کارگران محلی جهان سرمایه‌داری می‌پردازند. در این نظام چند شرکت بین‌المللی تولیدی بازارهای جهان را کنترل و غنایم را میان خود تقسیم می‌کنند.

○ در پهنه گیتی، بی گمان کشاورزی همچنان فراگیرترین شغل به شمار می آید. در دهه های اخیر تولید کشاورزی بسیار افزایش یافته و تولید سرانه جهانی غذا با وجود دو برابر شدن جمعیت جهان در ۴۰ سال گذشته با نرخ ۲۵ درصد افزایش یافته است.

این به خاطر رفع نیاز کشور نیست بلکه به این دلیل است که آمریکا از شر آن رهایی یابد و بازار داخلی فیلیپین را تخریب کند. همراه با افزایش وابستگی به مواد خوراکی خارجی، نواحی زیر کشت محصولات صادراتی مانند انبه در فاصله سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۴ دو برابر شده و از ۶۵۰۰۰ هکتار به ۱۱۳۰۰۰ هکتار رسیده است. کشت مارچوبه در ۱۴۰۰ هکتار، موز در ۳۷۰۰۰۰ هکتار و آناناس در ۴۱۰۰۰ هکتار از اراضی فیلیپین کشت می شود که جنبه صادراتی دارد.

با وابستگی کشاورزی فیلیپین به واردات و جهت گیری کشت صادراتی، کشاورزی فیلیپین زیر سلطه شرکت های فراملی در آمده است. شرکت های فراملی بزرگ مانند: Monsanto, Bayer, Syngenta, Dupont از یک سو بنر، کود، آفت کش، ابزارها و ماشین به فیلیپین می دهند و از سوی دیگر شرکت های فراملی مانند Dole, Delmonte, Nestle بر روند فرآوری و تجارت مواد خوراکی و تولیدات کشاورزی چنگ انداخته اند.

۹ شرکت از ۱۳ شرکت بزرگ تولید کننده آفت کش در فیلیپین، فراملی هستند و کمپانی های محلی بیشتر مواد اولیه را وارد و تنها آنها را برای بازارهای داخلی بسته بندی می کنند.

برخی شرکت های فراملی در تولید کالاهای کشاورزی فعال هستند و مالکیت یا کنترل زمین های پهناور را دارند. آنها با مالکان محلی و سرمایه داران داخلی سرمایه گذاری مشترک می کنند.

دولت فیلیپین مشتاقانه از فعالیت شرکت های فراملی پشتیبانی و آنها را در آزمایش های بیسو تکنولوژیک در فیلیپین یاری می کند. (Chairman of KMP, 2001: 1-6).

۴-۲ فقره روز افزون و بی زمینی:

پس از اجرای پیمان کشاورزی و پذیرش فیلیپین در سازمان تجارت جهانی شرایط زندگی کشاورزان فیلیپینی سخت تر شده و دولت پذیرفته است که شمار خانواده های فقیر روستایی در فاصله سالهای ۹۷-۱۹۹۴ به ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

آزادسازی اقتصادی موجب افزایش

نمونه دیگر این امتیازات، تصویب قانون مدرنیزاسیون جامع کشاورزی و ماهیگیری در سال ۱۹۹۷ بود؛ در این قانون، مدرنیزاسیون به مفهوم افزایش تولیدات صادراتی و تشویق سرمایه گذاران خارجی بود و به مؤسسات درگیر کشاورزی اجازه می داد که نهاده ها و ابزارهای کشاورزی را بدون پرداخت هرگونه تعرفه گمرکی در یک دوره پنج ساله وارد کنند. هم اکنون نیز جهت گیری سیاست کشاورزی آن کشور به سود توسعه کشاورزی بازار گرا و پشتیبانی از کشاورزی تجاری است (Chairman of KMP, 2001: 1-6).

۴-۱ افزایش وابستگی به واردات، جهت گیری صادرات و استیلای خارجی ها

در پرتو اجرای پیمان کشاورزی و سیاست های کشاورزی دولت، سیل محصولات کشاورزی به سوی بازار فیلیپین روان گشت. در سال ۱۹۹۴ فیلیپین ۴۲ میلیون دلار کسری تجاری کشاورزی داشت که در سال ۱۹۹۹ به ۱/۱۲ میلیارد دلار افزایش یافت.

آمریکا یکی از کشورهای بود که از بازارهای فیلیپین امتیاز گرفت. فیلیپین در دوره پنج ساله (۱۹۹۷-۲۰۰۱) ۳/۷۰۲ میلیارد دلار محصولات کشاورزی از آمریکا وارد کرده است که حدود ۴۰ درصد کل واردات کشاورزی آن کشور بوده است. استرالیا نیز بیشترین بی تعادلی تجاری را با فیلیپین داشته است. واردات کالاهای کشاورزی فیلیپین از استرالیا در طول پنج سال گذشته ۱۷ برابر صادراتش به آن کشور بوده است.

برنج مهمترین محصول کشاورزی فیلیپین است که به طور میانگین ۳۵ درصد خوراک فیلیپینی ها را تأمین می کند. اکنون فیلیپین به گونه روز افزون به واردات برنج برای خوراک جمعیت خود وابسته است؛ واردات برنج در سال ۱۹۹۸ به ۲/۲ میلیون تن رسید که بیش از یک چهارم مصرف داخلی آن کشور بود. وابستگی فزاینده به واردات محصولات عمده نه تنها امنیت غذایی آن کشور را به خطر می اندازد بلکه از منبع درآمد ۳/۲ میلیون کشاورز برنجکار می کاهد.

در این راستا فیلیپین از آمریکا ۲۰ میلیون دلار وام می گیرد که از آن کشور برنج وارد کند و

۵- نتیجه گیری:

نظام سرمایه‌داری برای تضمین فروش مازاد تولید خود به بازاری نیازمند است که پیوسته در حال گسترش باشد. چنین نیازی موجب دخالت سرمایه‌داری در سراسر کره زمین شده که با سوءاستفاده از بازار جهانی به تولید و مصرف همه کشورهای و ویژگی جهانی داده است (رنیس دانا، ۱۳۸۰: ۷۴-۷۵). در این روند کشورهای توسعه یافته از برتری تکنولوژیک و نفوذ خود در نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و شرکتهای فراملی که در واقع مهم‌ترین ابزارهای جهانی شدن اقتصاد و تحمیل اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد است، سود جسته و شیوه تولید و روابط بهره‌برداری کشورهای جهان سوم را به سود خود سازمان‌دهی می‌کنند. انحصارات از راه تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری، تولید و افزایش بهره‌برداری از مردم جهان و کارگران برای سود بیشتر کنترل بازارهای جهان را در دست می‌گیرند. در نتیجه، کشورهای جهان سوم به شرکتهای فراملی وابسته می‌شوند و هویت ملی آنها از بین می‌رود. از این رو جهانی شدن وضع کشاورزی ناتوان فیلیپین را دشوارتر کرده است؛ روز به روز کشاورزی از برآورده ساختن نیازهای مردم فاصله می‌گیرد و تولید محصولات صادراتی را ترجیح می‌دهد در حالی که برای تولید آن به تکنولوژی وارداتی وابسته می‌شود؛ امنیت غذایی فیلیپین یکسره وابسته به واردات تولیدات کشاورزی شده است.

برای انبوه کشاورزان روابط بهره‌برداری فئودالی دشوارتر شده است. شمار فزاینده‌ای از کشاورزان بی‌زمین هستند. تمرکز و انحصاری شدن زمین، اعتبارات و تجارت به آن درجه رسیده که کشاورزان کوچک را در تنگنای کامل قرار داده است. در این حال مخالفت رعایا یا اجتناب ناپذیر است و با واکنش سخت و نظامی حکومت روبه‌رو می‌شود.

بی‌اجرای اصلاحات ارضی بنیادی که به مفهوم توزیع آزاد واحدهای بهره‌برداری میان کشاورزان بی‌زمین و فقیر باشد، حل مشکلات ناممکن بوده و آرامش بر آن کشور حاکم نمی‌شود. بیش از رهایی

هزینه‌های تولید شده است؛ به علت جایگاه انحصاری شرکتهای فراملی کشاورزی بهای بذر و کود به مقدار زیادی افزایش یافته است. برای نمونه بهای داخلی اوره در سالهای (۲۰۰۱-۱۹۹۷) به‌طور میانگین ۷۳ درصد نسبت به بهای جهانی آن بیشتر بوده است. در حالی که کشاورزان برای فراهم کردن نهادهای زراعی بهای بالاتری می‌پردازند، ناگزیرند تولیدات خود را با بهای پیشنهادی شرکتهای فراملی بفروشند. واردات سوبسیدی و ارزان از کشورهای صنعتی موجب کاهش بهای تولیدات کشاورزی می‌شود. ذرت مازاد آمریکا در فیلیپین با بهایی برابر نصف هزینه‌های تولید محلی به فروش می‌رسد و به کاهش درآمد کشاورزان ذرت کار فیلیپین می‌انجامد. در سایه قدرت انحصاری مالکان که کنترل آسیاب کردن و تجارت مغز نارگیل را در اختیار دارند، بهای مغز نارگیل اغلب پایین است.

پشتیبانی دولت از تولید محصولات صادراتی آشکارا سبب زمین‌خواری مالکان و شرکتهای بزرگ شده است و کشاورزان کوچک توان گسترش کشاورزی سرمایه‌بر را ندارند.

شکست برنامه‌های اصلاحات ارضی، نظام زمین‌داری و تغییر کاربری زمین موجب تمرکز دوباره زمین در دست مالکان عمده و شرکتهای بزرگ شده است. در فاصله سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، ۱/۲ میلیون شغل در بخش کشاورزی از دست رفته و شاغلان این بخش از ۱/۸ درصد به ۱۰/۶ درصد کاهش یافته است و بزرگان زیادی به کارگران مزارع بزرگ مالکان و نهالکاری‌های تجاری تبدیل شده‌اند و اغلب درآمد ناچیزی دارند. در شرایط استقلال واقعی است که می‌توان به امنیت غذایی دست یافت و به خودکفایی در تولید نایل آمد و برخی محصولات مازاد کشاورزی را از راه روابط تجاری متوازن وارد بازار کرد. همزمان، گسترش صنایع ملی می‌تواند ابزارها و نهادهای لازم را در اختیار بخش روستایی قرار دهد و تولیدات کشاورزی را فرآوری کند. (Chairman of KMP, 2001: 1-6).

○ در فیلیپین، شرکتهای فراملی از عقب‌ماندگی کشاورزی محلی بهره‌گرفته و با مالکان محلی و عاملان سرمایه‌داری وابسته در راستای استیلا بر بخش کشاورزی هم‌پیمان شده‌اند. از این رو پیش از آن که کشاورزان از افزایش فرآورده‌های کشاورزی سود ببرند، شرکتهای فراملی از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند.

۵. لویی ریفر، ژان و دیگران، شرکتهای فراملیتی و توسعه درون‌زای، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالحمید زین قلم، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۲.
 ۶. وودوارد، دیوید، تعدیل اقتصادی، بحران بدهی و فقر در کشورهای در حال توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد و محمدرضا محمدیان، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

۷. یقما بیان، بهزاد «مارکس در سال ۲۰۰۱»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ۴۶، ۱۳۸۰.
 8. Chairman of KMP, "Peasant movement of the philippines", Jaunary 2001.
 9. Harvey, D, (1989): **The condition of post modernity**, Oxford, Bacil, Black well.
 10. krugman. Paul, (1996): "Past and prospective causes of high unemployment", *Economic Review*, No 70.

فیلیپین از استیلای شرکتهای فراملتی، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، صنعتی شدن و برقراری روابط حقوقی برابر با دیگر کشورهای فیلیپین میسر نخواهد بود.

منابع و مأخذ:

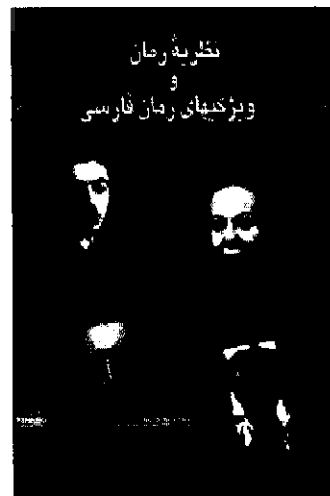
۱. دوفومیه، مارک، جغرافیا و سیاستهای ارضی، ترجمه دکتر علی پور فیکویی، نشر نیکا، مشهد ۱۳۷۲.
 ۲. رئیس دانا، فریبرز، «جراغ مانیفست در دهلیزهای جهانی شدن»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ۴۶، سال ۱۳۸۰.
 ۳. شکویی، حسین، «فلسفه‌های سیاسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی»، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۱۱ بهار ۱۳۷۷.
 ۴. قریب، حسین، «جهانی شدن و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۶۰، ۱۳۸۰.

○ در آمریکا، کشاورزی نه تنها از دید اقتصادی بلکه از منظر آژانس‌های ژئوپولیتیکی نقش مهمی دارد. اهمیت غذا برای بشر، آن‌را به ابزاری مؤثر در عرصه سیاسی تبدیل کرده است و این امر در مولودی که ایالات متحده آن‌را به عنوان ابزاری برای تنبیه مخالفان از راه تحریم به کار گرفته، آشکار است.



پژوهش‌های ژئوپولیتیکی
 فریبا وافی
 نشر مرکز
 بها ۱۱۵۰ تومان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 پرتال جامع علوم انسانی



نظریهٔ رمان و ویژگیهای رمان فارسی
 محمدرافع محمودیان
 نشر پژوهش فرزانه روز
 بها ۱۹۰۰ تومان